

به نام خدا

مجموعه کتابهای موضوعی

مه‌ساز فن

فن دوم آرایه‌های ادبی

دهم | یازدهم | دوازدهم

ابوالفضل قاضی، حمزه نصراللهی



مهروماه



هومان

فهرست مطالب

۷	بخش ۱	تیپ‌شناسی
۱۹	بخش ۲	درسنامه و تست
۲۰	درس ۱: تشبیه	درس ۳ / علوم و فنون ادبی یازدهم
۳۰	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۴۲	درس ۲: مجاز	درس ۶ / علوم و فنون ادبی یازدهم
۴۹	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۵۶	درس ۳: استعاره / تشخیص	درس ۹ / علوم و فنون ادبی یازدهم
۶۷	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۸۰	درس ۴: کنایه	درس ۱۲ / علوم و فنون ادبی یازدهم
۹۴	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۱۰۰	درس ۵: واج‌آرایی (نغمه حروف)	درس ۳ / علوم و فنون ادبی دهم
۱۰۴	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۱۰۷	درس ۶: واژه‌آرایی (تکرار)	درس ۳ / علوم و فنون ادبی دهم
۱۱۰	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۱۱۳	درس ۷: سجع	درس ۶ / علوم و فنون ادبی دهم
۱۱۸	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۱۲۵	درس ۸: موازنه و ترصیع	درس ۹ / علوم و فنون ادبی دهم
۱۳۰	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۱۳۸	درس ۹: جناس	درس ۱۲ / علوم و فنون ادبی دهم
۱۵۲	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۱۶۲	درس ۱۰: اشتقاق (هم‌ریشگی)	درس ۱۲ / علوم و فنون ادبی دهم
۱۶۴	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۱۶۶	درس ۱۱: مراعات‌نظیر (تناسب)	درس ۳ / علوم و فنون ادبی دوازدهم
۱۶۹	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۱۷۲	درس ۱۲: تلمیح	درس ۳ / علوم و فنون ادبی دوازدهم
۱۸۳	سؤالات چهارگزینه‌ای	

۱۸۶	درس ۱۳: تضمین	درس ۳ / علوم و فنون ادبی دوازدهم
۱۹۳	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۱۹۵	درس ۱۴: لفّ و نشر	درس ۶ / علوم و فنون ادبی دوازدهم
۲۰۱	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۲۰۵	درس ۱۵: تضاد (طباق)	درس ۶ / علوم و فنون ادبی دوازدهم
۲۰۹	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۲۱۲	درس ۱۶: متناقض نما (تناقض، پارادوکس: Paradox)	درس ۶ / علوم و فنون ادبی دوازدهم
۲۱۷	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۲۲۲	درس ۱۷: اغراق	درس ۹ / علوم و فنون ادبی دوازدهم
۲۲۶	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۲۲۷	درس ۱۸: ایهام	درس ۹ / علوم و فنون ادبی دوازدهم
۲۳۵	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۲۴۰	درس ۱۹: ایهام تناسب	درس ۹ / علوم و فنون ادبی دوازدهم
۲۴۵	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۲۵۰	درس ۲۰: حُسن تعلیل	درس ۱۲ / علوم و فنون ادبی دوازدهم
۲۵۶	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۲۶۰	درس ۲۱: حسّ آمیزی	درس ۱۲ / علوم و فنون ادبی دوازدهم
۲۶۴	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۲۶۷	درس ۲۲: اسلوب معادله	درس ۱۲ / علوم و فنون ادبی دوازدهم
۲۷۶	سؤالات چهارگزینه‌ای	
۲۸۰	درس ۲۳: آرایه‌های بازمانده و تکمیلی (نماد - ارسال المثل - تجاهل المعارف)	
۲۸۷	سؤالات چهارگزینه‌ای	

۳۹۱	بخش ۳	آزمون‌ها
۳۷۹	بخش ۴	پاسخ‌نامه
۳۸۰		پاسخ‌نامه تشریحی
۴۷۶		پاسخ‌نامه کلیدی

برای مشاهده کنکور امسال
QR-Code روبه‌رو را اسکن کنید!



درس ۲: مجاز

درس ۶ علوم و فنون ادبی یازدهم

مجاز



• اولین و رایج‌ترین معنایی که از یک واژه به ذهن می‌رسد، معنای اصلی و حقیقی آن است؛ اما گاهی اوقات در کلام، واژه‌ها را در معنای غیرحقیقی‌شان به کار می‌بریم که به آن «معنای مجازی» گفته می‌شود.

• مجاز ← به کار رفتن یک واژه در معنای غیرحقیقی (مجازی) آن است به شرط وجودِ علاقه و قرینه (یعنی وجود نشانه و یا قرینده‌ای که ذهن ما را از معنای حقیقی واژه بازدارد و متوجه معنای مجازی آن کند).

مثلاً وقتی می‌گیم «جام را شکستم»، واژه «جام» در معنای حقیقی خودش به کار رفته؛ چون «جام» قابلیت شکستن دارد و «شکستن» هم قرینه یا نشانه‌ای که ذهن ما رو متوجه معنای حقیقی جام می‌کند؛ اما وقتی می‌گیم «جام را نوشیدم»، کلمه «نوشیدم» به قرینه‌ست که نشون می‌ده «جام» در معنای غیرحقیقی خودش یعنی «شراب» به کار رفته، چون جام (: پیاله، لیوان، ...) قابل نوشیدن نیست.

حالا به این بیت‌ها به عنوان مثال، خوب خوب دقت کن:

گزینی سواران و شیران تویی
کس نبود این چنین دلیر به میدان

مثال پدر بر پدر، شاه ایران تویی

مثال جمله حریفان شکست خورده ز ایران



➕ در بیت اول، «ایران» در معنای اصلی و حقیقی خود یعنی «کشور و سرزمین ایران» - با موقعیت و جغرافیای مشخص - به کار رفته؛ اما در بیت دوم، منظور از «ایران»، همان «افراد و تیم ایران» یا «سپاه ایران» است که در مبارزه با حریفان خود پیروز شده‌اند. بنابراین «ایران» در بیت دوم، در معنای مجازی به کار رفته و مجاز است؛ ضمن این‌که عبارت «حریفان شکست خورده‌اند» به قرینه‌ست که نشون می‌ده «ایران» در معنای مجازی به کار رفته؛ چون حریفان که از «سرزمین ایران» شکست نخوردن؛ بلکه از «تیم و افراد ایران» شکست خوردن. گرفتگی قضیه از چه فراره؟!!

«علاقه» و «قرینه» در مجاز



• **علاقه** ← پیوند و تناسبی است که میان معنای حقیقی و مجازی واژه وجود دارد.

مثال حضور وقت در آمیزش محبتان است کمر گشای و لبالب بنوش **جام** و مترس

➕ منظور از «جام»، نوشیدنی داخل جام یعنی «شراب، می» است و البته دلیل این که «جام» می‌تواند در معنای مجازی خود یعنی «شراب، می» به کار رود، «علاقه» (رابطه‌ای است که بین معنای حقیقی جام و معنای مجازی آن (شراب، می) وجود دارد که آن را «**علاقه محلیه**» می‌نامیم؛ زیرا «جام» که محل و ظرف شراب است به جای خود «شراب» به کار رفته.

• **قرینه** ← نشانه‌ای (کلمه یا عبارتی) است که ذهن ما را از معنای مجازی واژه به معنای حقیقی آن هدایت می‌کند. مثلاً در همین بیت قبل «بنوش» قرینه‌ای است که براساس آن متوجه می‌شویم «جام» در معنای مجازی «شراب» به کار رفته است.



خوب گوش کن ببین چی می‌گم! توی کتاب درسی - مِت خیلی اُر مباحث که مهمن اَمّا انری اُر اونا توی کتاب درسی نیست - هیچ اشاره‌ای به انواع «علاقه‌های مجاز» نشده؛ در حالی که بی‌هیچ بُروبرگرد، شناختن انواع علاق‌های مجاز، لازمه تشخیص دادن «مجاز» توی بیت‌ها و عبارت‌ها و نهایتاً شناخت معنی مجازی واژه‌هاست. پس خوب خوب و به طور دقیق باید انواع علاق‌های مجاز رو یاد بگیری تا بتونی تست‌های مربوط به این مبحث رو ضربه فنی کنی. نگي نگفتی!!

انواع علاق‌های مجاز

۱ جزئیة ۲ کلیه ۳ محلیه ۴ آئیه ۵ سببه ۶ لازمیة ۷ جنسیت ۸ مشابهت

■ **علاقه جزئیة** کاربرد جزئی از یک چیز به جای کل آن است.

مثال من آن **نگین** سلیمان به هیچ نستام که گاه‌گاه بر او دست اهرمن باشد

➕ **نگین** ← مجاز از «انگشتر» به علاق‌ه جزئیة؛ ^{زیاد} ← «نگین» که جزئی از «انگشتر» است، به جای کل «انگشتر» به کار رفته است.

■ **علاقه کلیه** کل یک چیز به جای جزئی از آن به کار می‌رود.

مثال روزگاری **دست** در زلف پریشان توام بود حالیا پامالم از دست پریشان‌روزگاری

➕ **دست** ← مجاز از «انگشتان، انگشت» به علاق‌ه کلیه؛ ^{زیاد} ← کل «دست» به جای جزئی از آن (یعنی انگشتان) به کار رفته.

■ **علاقه محلیه** محل یا ظرف چیزی به جای خود آن چیز به کار می‌رود.

مثال در عهد پادشاه خطابخش جرم‌پوش حافظ قرابه‌کش شد و مفتی **پیاله**‌نوش

➕ **پیاله** ← مجاز از «شراب، می، باده» به علاق‌ه محلیه؛ ^{زیاد} ← شاعر ظرف و محل شراب را به جای محتویات داخل آن (یعنی «شراب، می») به کار برده.

نکته

به این دو تا نکته مهم، توجه داشته باش:

۱ در مواردی چون «سر چیزی را داشتن» (در اندیشه چیزی بودن)، «سر کاری را داشتن» (در اندیشه کاری بودن)، در «سر چیزی یا کاری بودن» (در اندیشه چیزی یا کاری بودن) و... «سر» همواره مجاز از «اندیشه، فکر، قصد، نیت، تصمیم» به «علاقه محلیه است»؛ زیرا «سر» - که محل اندیشیدن و فکر کردن است - به جای خود «اندیشه و فکر و...» به کار می‌رود.

مثال بر سر آنم که گرز دست برآید دست به کاری زخم که غصه سرآید

«سر» ← مجاز از «اندیشه و قصد و نیت» به «علاقه محلیه» («بر سر آنم» یعنی «در اندیشه آن هستم»).
 ۲ واژه‌هایی چون «عالم، دنیا، جهان، مملکت، کشور، شهر، دشت، کوی و...» و همچنین مکان‌های جغرافیایی و اسامی خاص کشورها و شهرها و... ← هرگاه مجاز از «مردم» و یا «افراد» ساکن در این مکان‌ها باشند، نوع «علاقه آن‌ها» خواهد بود؛ زیرا جایگاه و محل زندگی مردم، به جای خود مردم ساکن در این مکان‌ها به کار رفته.

مثال سوی زابلستان نهادند روی نظاره بر او شد همه شهر و کوی

«شهر» و «کوی» (محل، کوچه) ← مجاز از «مردم و ساکنین شهر و کوی» به «علاقه محلیه»
 عبارت «نظاره شد» (نگریست، نگاه کرد)، به فرینه‌ست که نشون می‌دهد «شهر» و «کوی» به معنای مجازی «مردم شهر و کوی» به کار رفته.

توجه!

گاه یک چیز مجازاً به جای محل و جایگاه خود آن چیز به کار می‌رود؛ به عبارتی ← مظهر و (آنچه در ظرف و محل جای می‌گیرد) به جای خود ظرف (جا و محل آن چیز) به کار می‌رود؛ ← این شکل از مجاز نیز، یکی از شکل‌های «مجاز به «علاقه محلیه» است.

مثال می اندر کف ساقی بی‌حجاب سهیل است در پنجه آفتاب

«می» توی این بیت، مجازاً «جام می» به «علاقه محلیه‌ست»؛ چون «جام می» رو به دست می‌گیرند نه خود «می» رو. شاعر می (جام می) رو که توی دست ساقی فرار داره، به ستاره سهیل (به ستاره درخشان توی آسمون) تشبیه کرده که توی پنجه آفتاب (خورشید) فرار گرفته.

علاقه آلیه

• آلت و ابزار انجام کاری به جای خود آن کار بیاید.

مثال هر کو نکند فهمی زین کلک خیال‌انگیز نقشش به حرام ار خود صورتگر چین باشد

کلک (قلم) ← مجاز از «نوشته‌ها و اشعار» به «علاقه آلیه»؛ زیرا «کلک (قلم)» که ابزار و آلت نوشتن است به جای خود «نوشته‌ها و اشعار» به کار رفته.

در ضمن، عبارت «نکند فهمی» (درنیابد و نفهمد)، به عنوان فرینه، نشون می‌دهد که «کلک» در معنای مجازی (شعر و نوشته) به کار رفته؛ وگرنه «کلک» که فهمیدنی نیست. به نظرت هست؟!

نکته

اندام‌ها و اجزای وجود آدمی مانند «زبان»، «گوش»، «چشم»، «بینی»، «دست و پا» ^{در صورتی که} ← به ترتیب، به معنای «سخن گفتن»، «شنیدن»، «دیدن»، «بوییدن»، «توانایی و قدرت» باشند ← مجاز به علاقه آلیه‌اند؛ ^{زیرا} ← «زبان، گوش، چشم، بینی، دست و پا و ...» به ترتیب، ابزار «سخن گفتن، شنیدن، دیدن، بوییدن، توانایی و قدرت انجام کار و ...» اند. ^{۱۱} به زبون ساده‌تر، این اجزا، در صورتی مجاز هستن که با معنی حقیقی‌شون، بیت یا عبارت، معنی نداشته باشه.

مثال برآشفت عابد که خاموش باش تو مردِ زبان نیستی، گوش باش

➕ «زبان» و «گوش» ← ^{به ترتیب} مجاز از «سخن گفتن» و «شنیدن» به علاقه آلیه؛ ^{زیرا} ← «زبان» و «گوش» ابزار «سخن گفتن» و «شنیدن» است. ^{۱۱} «تو مردِ زبان نیستی، گوش باش» یعنی «تو مرد سخن گفتن نیستی؛ پس مرد گوش کردن (شنیدن) باش.»

توجه

گاه به طور برعکس، خود «کار» به جای «آلت و ابزار انجام آن کار» می‌آید. ^{۱۱} مثالو ببین:

مثال چنین آن دو ماهر در آدابِ ضرب ز هم رد نمودند هفتاد **حرب**

➕ توی این بیت، «حرب: جنگ» مجازاً به جای «آلتِ حرب و نزاع میث شمشیر و خنجر و ...» به کار رفته.

علاقه سببیه

• سبب و علت چیزی به جای خود آن چیز به کار رود.

مثال در نمی‌گیرد نفس‌هایم به کاهل‌مشربان هر نفس چون بحر، دامن از کف ساحل کشم

➕ نفس ← مجاز از «سخن» به علاقه سببیه؛ ^{زیرا} ← نفس (نفس کشیدن) - که علت زنده ماندن آدمی و سخن گفتن اوست - به جای «سخن و سخن گفتن» آمده. ^{۱۱} مطمئناً بارها برات پیش اومده که به نفر رو نصیحت کنی و بهش پند بدی اما هیچ اثری روی او نداشته باشه ... این‌جا هم قضیه از همین قراره. منظور شاعر از «نفس‌ها» - که در افراد کاهل‌مشرب اثر نمی‌کنه - همون «سخنان و حرف‌ها»ی شاعره، اون هم به علاقه سببیه. در واقع، نفس (نفس کشیدن) که علت زنده موندن و سخن گفتن آدمیه، به جای خود «سخن‌ها و حرف‌ها» به کار رفته.

علاقه لازمیته

• چیزی به دلیل همراهی همیشگی با چیز دیگر، به جای آن به کار رود.

مثال یاد باد آن کواو به قصد **خون** ما عهد را بشکست و پیمان نیز هم

➕ خون ← مجاز از «کشتن» به علاقه لازمیته؛ ^{زیرا} ← لازمه کشتن کسی، ریختن خون اوست. در واقع، «خون [ریختن]» که لازمه کشتن آدمی است به جای خود «کشتن» به کار رفته و «مجاز به علاقه لازمیته» شده.

فرسید اینم به راه حل هلو برا تشخیص «مجاز به علاقه لازمیته»:

در آن دسته از بیت‌ها که عبارت‌هایی چون «قصد خون کسی را داشتن» یا «دست به خون کسی داشتن» و نظایرشان باشد، «خون» مجاز از «کشتن» به علاقه لازمیته است؛ **مثال این بیت‌ها:**

مثال محتاج قصه نیست گرت قصد خون ماست
چون رخت از آن توست، به یغما چه حاجت است؟!
چیت قصد خون من آن ترک کافرکیش را؟
ای مسلمانان! نمی‌دانم گناه خویش را
آن چشم شوخ را نگر، مست از خرابات آمده
در قصد خون عاشقان، دامن کمر اندر زده
پس دقت داشته باش که «مجاز به علاقه لازمیته» صرفاً با همین واژه «خون» ایجاد می‌شه و لا غیر.

■ علاقه جنسیت

● جنس یک چیز به جای خود آن چیز به کار رود.

مثال تهمتن گز اندر کمان راند زود
بدان سان که سیمرغ فرموده بود
گز ← مجاز از «تیر ساخته‌شده از چوب درخت گز» (درختچه‌ای کویری) به علاقه جنسیت؛ **زیرا** ←
جنس تیر (چوب درخت گز) به جای خود «تیر» به کار رفته است.

■ علاقه مشابهت

● «مجاز به علاقه مشابهت»، همان «استعاره مصرّحه» است **که در آن** ← چیزی به دلیل شباهت به چیز دیگر، به جای آن چیز به کار می‌رود؛ **به عبارتی** ← «مجاز به علاقه مشابهت» (استعاره مصرّحه)، مشبّه‌بھی است از یک تشبیه که به جای «مشبّه محذوف» می‌آید؛ **به این صورت که** ← اگر از یک تشبیه، تمامی ارکان تشبیه حذف شود و تنها «مشبّه‌به» باقی بماند و به جای «مشبّه محذوف» ذکر شود، «مجاز به علاقه مشابهت» (استعاره مصرّحه) خواهد بود.

مثال صرصر (تندباد) هجر تو ای سرو بلندا
ریشه عمر من از بیخ بگندا
سرو ← مجاز به علاقه مشابهت (استعاره مصرّحه) از «یار، معشوق»
مصرع اول، در اصل به تشبیه کامل به این صورت بوده:

«ای معشوق من که در زیبای و باوقامی ~~من چون~~ سرو هستی! ...»؛ که البته «مشبّه» و «وجه شبه» و «ادات تشبیه» حذف شدن و «مشبّه‌به» این تشبیه یعنی «سرو» - به دلیل شباهتش به مشبّه محذوف (یعنی «یار») - به تنهایی به جای «یار» به کار رفته و استعاره مصرّحه از «یار» شده.
پس به مثال دیگر هم ببین:

مثال هست بر من نشان عجز و قصور
سرو من شد خمیده چون چنبر
سرو ← مجاز به علاقه مشابهت (استعاره مصرّحه) از «قامت بلند شاعر». **دقت** داشته باش که مصرع دوم، در اصل به تشبیه کامل به این شکل بوده: «قامت من ~~که مانند~~ سرو بلند و بر کشیده بود، چون چنبر خمیده شد». اما از این تشبیه، «مشبّه» و «وجه شبه» و «ادات تشبیه» حذف شده و فقط «مشبّه‌به» (سرو) باقی مانده و به عنوان مجاز به علاقه مشابهت (استعاره مصرّحه) از «قامت» به کار رفته.

اشاره: جلوتر (درس بعد)، استعاره مصرّحه رو به طور مفضل‌تر و دقیق‌تر می‌خونی.

تفاوت «مجاز به علاقهٔ مشابهت (استعاره)» با «مجاز به علاقهٔ غیرمشابهت»

• هم در «استعاره» و هم در «مجاز به علاقهٔ غیرمشابهت»، یک واژه در معنای غیرحقیقی و غیراصلی خود به کار می‌رود؛ **با این تفاوت که** ← در «استعاره (مجاز به علاقهٔ مشابهت)» واژه‌ای که در معنای غیراصلی خود به کار رفته، در اصل، مشبّه به یک تشبیه است؛ یعنی بین واژه و معنای مجازی و غیرحقیقی‌اش، «علاقه و رابطهٔ شباهت» وجود دارد؛ اما در «مجاز به علاقهٔ غیرمشابهت»، واژه‌ای که در معنای غیراصلی خود به کار رفته، مشبّه به یک تشبیه نیست؛ یعنی بین آن واژه و معنای مجازی‌اش، «علاقه و رابطه‌ای غیر از شباهت (مثلاً علاقهٔ کلیه، جزئیّه، محلّیه، آلیّه، سببیّه، لازمیّه، جنسیت) وجود دارد».

انواع علاقه‌های مجاز در یک نگاه

مشابهت	جنسیت	لازمیه	سببیّه	آلیّه	محلّیه	کلیّه	جزئیّه
سرو ↓ یار	گَز ↓ تیر	خون ↓ کشتن	نفس ↓ سخن	کَلک (: قلم) ↓ شعر و نوشته	عالم ↓ مردم عالم	دست ↓ انگشت	نگین ↓ انگشتر

نمونه‌های بیشتر برای «مجاز»

- سعدی آن نیست که هرگز ز **کمندت** بگریزد چون بدانست که در **بند** تو خوش‌تر ز رهایی (۶/۲)
- «کمند» و «بند» ← **مجاز از** «اسارت و گرفتاری» [علاقه: آلیّه؛ «کمند و بند» - که ابزار اسارت و گرفتاری است - به جای خود «اسارت و گرفتاری» به کار رفته.]
- سپید شد چو درخت شکوفه‌دار **سرم** وز این درخت، همین میوهٔ غم است برم (۶/۲)
- «سر» ← **مجاز از** «موی سر» [علاقه: کلیّه؛ کلّ «سر» به جای جزئی از آن (موی سر) به کار رفته.]
- البتّه «درخت» توی مصراع دوم، می‌شه استعارهٔ مصرّحه (مجاز به علاقهٔ مشابهت) از «وجود شاعر».
- چرا چون لاله خونین‌دل نباشم؟! که با ما **نرگس** او سرگران کرد (۶/۲)
- «نرگس» ← مجاز به علاقهٔ مشابهت (استعارهٔ مصرّحه) از «چشم معشوق»
- **سینه** خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق (۶/۲)
- «سینه» ← **مجاز از** «انسان صاحب‌دل و دردمند» [علاقه: جزئیّه؛ «سینه» که جزئی از «وجود انسان» است، به جای «انسان» به کار رفته.]
- **دست** فلک ز کارم وقتی گره گشاید کز یک‌دگر گشایی زلف گره‌گشا را (۶/۲)
- «دست» ← **مجاز از** «انگشت، انگشتان» [علاقه: کلیّه؛ کلّ «دست» به جای جزئی از آن (انگشت) به کار رفته.]

● **درخت** تو گریه بار دانش بگیرد به زیر آوری **چرخ نیلوفری** را (۶/۲)

➕ ۱ «درخت» ← مجاز به علاقهٔ مشابهت (استعارهٔ مصرّحه) از «وجود آدمی» ۲ «چرخ نیلوفری» ← مجاز به علاقهٔ مشابهت (استعارهٔ مصرّحه) از «آسمان، فلک»

● از تو به که نالم؟! که دگر داور نیست **وز دست** تو هیچ **دست** بالاتر نیست
 ➕ «دست (اول و دوم)» ← مجاز از «قدرت» [علاقه: آلیه؛ «دست» که ابزار قدرت و توانایی در کاری است، به جای خود «قدرت و توانایی» به کار رفته.]

● گلبِز را ز سنبل مشکین نقاب کن **یعنی** که رخ بپوش و **جهانی** خراب کن
 ➕ «جهان» ← مجاز از «مردم جهان» [علاقه: محلّیه؛ «جهان» که محلّ زندگی مردم است، به جای خود «مردم» به کار رفته.]
 ❖ البته «گلبز» و «سنبل مُشکین» هم به ترتیب، مجاز به علاقهٔ مشابهت (استعارهٔ مصرّحه) از «چهرهٔ لطیف» و «موی سیاه» هستند.

● این **دم** شنو که راحت از این **دم** شود پدید **وین جا طلب** که حاجت از این جا شود روا
 ➕ «دم (نفس)» ← مجاز از «سخن» [علاقه: سببیه؛ «نفس (نفس کشیدن)» که علت زنده ماندن و سخن گفتن است، به جای «سخن» به کار رفته.]

● دفتر فکرت بشوی، گفتهٔ سعدی بگوی **دامن گوهر بیار**، بر سر **مجلس** بیار
 ➕ «مجلس» ← مجاز از «افراد مجلس» [علاقه: محلّیه؛ «مجلس» که محلّ حضور افراد مجلس است، به جای «افراد مجلس» به کار رفته.]

● به هر دیار که **محمل** رود ز چشم منش **گذار** بر سر آب زلال خواهد بود
 ➕ «محمل» ← مجاز از «کاروان» [علاقه: جزئیّه؛ «محمل» (گهواره، مهد) که جزئی از وسایل کاروان است، به جای خود «کاروان» به کار رفته.]

● همهٔ مستی خلق از **ساغر** و **پیمانه** می خیزد **مرا دیوانگی** زان **نرگس** مستانه می خیزد
 ➕ «ساغر» و «پیمانه» ← مجاز از «شراب» [علاقه: محلّیه؛ «ساغر و پیمانه» که محلّ «شراب» است، به جای «شراب» به کار رفته.]

❖ «نرگس» هم می‌شه مجاز به علاقهٔ مشابهت (استعارهٔ مصرّحه) از «چشم معشوق».

● آفرین **جان آفرین** پاک را **آن که جان** بخشید و ایمان **خاک** را
 ➕ «خاک» ← مجاز از «انسان» [علاقه: جنسیت؛ «خاک» که انسان از آن آفریده شده، به جای خود «انسان» به کار رفته.]

● هرگز وجود حاضرِ غایب شنیده‌ای؟ **من در میان** جمع و **دل** جای دیگر است
 ➕ «دل» ← مجاز از «حواس» [علاقه: محلّیه؛ «دل» که محلّ «حواس» است، به جای خود «حواس» به کار رفته.]

● دیدی که **خون** ناحق پروانه شمع را **چندان** امان نداد که شب را سحر کند؟!
 ➕ «خون» ← مجاز از «کشتن» [علاقه: لازمیّه؛ زیرا لازمهٔ کشتن کسی، ریختن خون اوست.]



نمونه سؤالات چهارگزینه‌ای درس ۲

۷۸. واژه مشخص شده در کدام گزینه، «مجاز» نیست؟

چو آتش تیشه می‌زد، کوه می‌سفت
چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی
آن‌که جان بخشید و ایمان خاک را
وز این درخت همین میوه غم است برم

- (۱) به یاد روی شیرین بیت می‌گفت
- (۲) سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی
- (۳) آفرین جان آفرین پاک را
- (۴) سپید شد چو درخت شکوفه‌دار سرم

۷۹. در کدام گزینه، «مجاز به رابطه شباهت» وجود ندارد؟

فروشید تا برآمد یک گل زرد
تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا؟
دل رمیده ما را انیس و مونس شد
به زیر آوری چرخ نیلوفری را

- (۱) هزاران نرگس از چرخ جهان‌گرد
- (۲) دل عالمی بسوزی چو عذار برفریزی
- (۳) ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد
- (۴) درخت تو گربار دانش بگیری

۸۰. در بیت زیر، کدام کلمات «مجاز» هستند؟

نه دیده که ره به گنج یابم
نه دیده - سر (۲) - گنج (۳) - زهره - خط (۴) - دیده - ره

- «نه زهره که سر ز خط بتابم»
(۱) دیده - سر (۲) - گنج (۳) - زهره - خط (۴) - دیده - ره

(انسانی ۹۳ با تغییر)

۸۱. کلمه مشخص شده در کدام گزینه، «مجاز» نیست؟

سوخت در فصل گلم حسرت بی‌بال و پری
گوش مرا کی سر شنیدن پند است
شب شود کوتاه چون صبح از دو جانب سرزند
که به فتراک تو به زان که بود بر بدنم

- (۱) منم آن مرغ گرفتار که در کنج قفس
- (۲) عشق تو تا حلقه‌ای کشید به گوشم
- (۳) طی شد ایام جوانی از بناگوش سفید
- (۴) گر به خون تشنه‌ای اینک من و سر باکی نیست

۸۲. در کدام گزینه، رابطه معنای نهاده (حقیقی) با معنای نانهاده (مجازی)، جزء به کل نیست؟

تا نباشد در پس دیوار گوش
همی هر کسی کرد ساز نبرد
چو آتش تیشه می‌زد، کوه می‌سفت
نشاید پس از مرگش الحمد خواند

- (۱) پیش دیوار آنچه گویی، هوش دار
- (۲) برآشفتم ایران و برخاستم گرد
- (۳) به یاد روی شیرین بیت می‌گفت
- (۴) اگر رفت و آثار خیرش نماند

۸۳. در کدام بیت، بیش از دیگر ابیات از «مجاز به رابطه شباهت» استفاده شده است؟

نشاید چو بلبل تعاشای باغ
بنگرید با نرگس و گل پرآب
تنها به قفس ماند، هزاران همه رفتند
فشاند از نرگسان لؤلؤی لالا

- (۱) مرا برف باریده بر پر زاغ
- (۲) به آواز بر جان افراسیاب
- (۳) یک مرغ گرفتار در این گلشن ویران
- (۴) چو تنها ماند ماه سروبالا

۸۴. در بیت زیر، کدام کلمه در معنای مجازی به کار رفته است؟

«هر آنکه تخم بدی کشت و چشم نیکی داشت»
دماغ بیهده پخت و خیال باطل داشت
(۱) تخم (۲) دماغ (۳) خیال (۴) چشم

- «هر آنکه تخم بدی کشت و چشم نیکی داشت»
(۱) تخم (۲) دماغ (۳) خیال (۴) چشم

۸۵. در کدام عبارت، آرایه «مجاز» وجود دارد؟

- (۱) از دیگران حدیث جوانی شنیده‌ام
(۲) همچون بنفشه سر به گریبان کشیده‌ام
(۳) در سینه‌ام هزار خراسان نهفته است
(۴) نالم به دل چون نای من اندر حصار نای

۸۶. کدام واژه در ابیات زیر، متناسب با آرایه «مجاز» به کار رفته است؟

- «فراموش کردی تو سگزی مگر
کزین پس نبیند تو را زنده زال»
(۱) پرخاشگر (۲) زال (۳) سگزی (۴) یال

۸۷. در کدام گزینه «مجاز» به کار نرفته است؟

- (۱) رو به شهر آورد سیلی بس مهیب
(۲) من چه دانستم که عشق این رنگ داشت
(۳) نفس چون تیر بر سنگ آید از دل چون بود سنگین
(۴) به چندین سوزن الماس حیران است مزگانش

۸۸. واژه «دشت» در همه ابیات زیر، به جز بیت _____ دارای آرایه «مجاز» است.

- (۱) یکی دشت بادیدگان پر ز خون
(۲) نهادند بر دشت هیزم دو کوه
(۳) سواران لشکر، برانگیختند
(۴) سراسر همه دشت بریان شدند

۸۹. همه گزینه‌ها، به جز _____ دارای آرایه «مجاز» است.

- (۱) ای در خم زلف تو تماشاگاه جانی
(۲) چون به پرسیدن سلمان نهادهی قدمی
(۳) حرف حق بگذار بر طاق بلند
(۴) بار یابی به محفلی کآنجا

۹۰. واژه «سر» در کدام گزینه، «مجاز» نیست؟

- (۱) بنال بلبل اگر با منت سر یاری است
(۲) گرت هواست که معشوق ننگسلد پیوند
(۳) سگ آن مست غرورم که نگه داند راه
(۴) دوران دهر و تجربتم سر سپید کرد

۹۱. در بیت زیر، کدام کلمه در معنی مجازی به کار رفته است؟

- «میکده را گشود اگر ساقی باقی الست
عاشق رند باده‌کش معتکف مدام شد»
(۱) میکده (۲) ساقی (۳) باده (۴) رند

۹۲. در کدام گزینه، علاوه بر «مجاز با رابطه شباهت»، «مجاز» دیگری هم وجود دارد؟

- (۱) سایه‌ای بر دل ریشم فکن ای گنج مراد
(۲) مرا ساقی بده ساغر که امشب می پرستان را
(۳) در عهد پادشاه خطابخش جرم‌پوش
(۴) به جز آن نرگس مستانه که چشمش مرساد
که من این خانه به سودای تو ویران کردم
به یاد لعل او یاد از می و ساغر نمی آید
حافظ قرابه‌کش شد و مفتی پیاله‌نوش
زیر این طارم فیروزه کسی خوش نشست

۹۳. در چند مورد، «مجاز» وجود دارد؟

سلطان جهانم به چنین روز غلام است
خون تیره شده است آب سرم
مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا
گویی که روز من بود و روزگار من
وی از تو دل صاحب‌نظر، مستان سلامت می‌کنند

الف) گل در بر و می در کف و معشوق به کام است
ب) آب صافی شده است خون دلم
پ) رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل
ت) از بس که کوتاه است و سیه زلف یار من
ث) شهری ز تو زیر و زبر، هم بی‌خبر هم باخبر

(۱) یک (۲) پنج (۳) چهار (۴) سه

۹۴. کدام گزینه فاقد «مجاز» است؟

منت شیرینی افسانه می‌باید کشید
سرش چو درد کند دشمنان دژم گردند؟!
آب انگور باید اندر دست
سخن هرچه گویی همان بشنوی

(۱) نیست آسایش در این عالم که بهر خواب تلخ
(۲) چرا نه مردم دانا چنان زید که به غم
(۳) ماه آبان چو آب جوی ببت
(۴) هر آن بر که کاری همان بدروی

۹۵. در کدام گزینه، «مجاز با علاقه شباهت» بیشتر است؟

در آویخت از گوشه افتاب
تو را سوی این بیشه چون بود راه؟
نیم‌شب دوش به بالین من آمد بنشست
همچو سروی روان به رهگذری

(۱) به ناخن زره بافت از مشک ناب
(۲) بدو گفت گیو: ای فریبده‌ماه
(۳) نرگش عربده‌جوی و لبش افسوس‌کنان
(۴) دیدم امروز بر زمین قمری

۹۶. کدام یک از کلمات مشخص شده «مجاز» نیست؟

اگرچه ز بد سیر دیر آید او
ز اقصای مداین تا به مدین
زیر صد منت او خاک دری نیست که نیست
چگونه مدح تو گوید زبان مدحت‌خوان؟

(۱) سرانجام از آن کار سیر آید او
(۲) رسد دست تو از مشرق به مغرب
(۳) آب چشمم که بر او منت خاک در توست
(۴) چو حصر منقبت در قلم نمی‌آید

۹۷. در بیت زیر، کدام دو کلمه «مجاز» است؟

عاقبت زان در برون آید سری»

«گفت پیغمبر که چون کوبی دری

(۱) کوبی - برون (۲) پیغمبر - سر (۳) سر - عاقبت (۴) در - برون

۹۸. در چند بیت، «مجاز» به کار رفته است؟

به زر وعده به آهن بیم کردند
گرفتار کدامین شیر گشتی؟
کز بریدن تیغ را نبود حیا
نزدیک اهل معرفت این خود فسانه بود
درد باید عمرسوز و مرد باید گامزن

الف) سخن‌های بدش تعلیم کردند
ب) چو آهو زین غزالان سیر گشتی
پ) پیشش این الماس بی‌اسپر میا
ت) گویند عالمان که نکردی تو سجده‌ای
ث) هر خسی از رنگ گفتاری بدین ره کی رسد؟!

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۹۹. در بیت زیر، کدام کلمه «مجاز» است؟

هیچ کس نیست که دارد قلمی چون تو نکو»

«طبع فیاض تو مشاطه خورشید آمد

(۱) مشاطه (۲) خورشید (۳) فیاض (۴) قلم

۱۰۰. چند بیت، دارای «مجاز» است؟

- (الف) تا مرد سخن نگفته باشد
 (ب) خوابش از مژگان مبر ای ناله بو بیند به خواب
 (پ) برو از خانه گردون به در و نان مطلب
 (ت) او به تیغ حلم چندین خلق را
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۰۱. «مجاز» کدام گزینه، با «رابطهٔ مشابهت» است؟

- (۱) هر کسی را سر چیزی و تمنای کسی است
 (۲) از تو به که نالم که دگر داور نیست
 (۳) هر سحر از عشق دمی می‌زنم
 (۴) به بوی لعل می‌گونش به ظلماتی در افتادم

۱۰۲. در بیت زیر، کدام کلمه «مجاز» است؟

- «پردهٔ مطربم از دست برون خواهد برد
 (۲) پرده (۳) آه (۴) بار (۴) مطرب

۱۰۳. قرینه‌های «مجاز» برای کدام بیت، نادرست ذکر شده است؟

- (۱) در روز ابر باید ساغر شمرده خوردن
 (۲) جهانی در پی‌ات مفتون، به جای آب گریان خون
 (۳) گو همهٔ شهر به جنگم به در آیند و خلاف
 (۴) فصل گل می‌گذرد هم نفسان بهر خدا
- یعنی بود برابر با قطره‌های باران (خوردن)
 عجب می‌دارم از هامون که چون دریا نمی‌باشد؟ (در پی کسی بودن)
 من که در خلوت خاصم خبر از عامم نیست (به جنگ درآمدن)
 بنشینید به باغی و مرا یاد کنید (هم نفس)

۱۰۴. در همهٔ گزینه‌ها به جز — کلمهٔ «جهان» در معنی مجازی به کار رفته است.

- (۱) جهان ای پسر ملک جاوید نیست
 (۲) جهان دل نهاده بر این داستان
 (۳) نهادند بر دشت هیزم دو کوه
 (۴) جهان انجمن شد بر تخت اوی
- ز دنیا وفاداری امید نیست
 همان بخردان و همان راستان
 جهانی نظاره شده هم‌گروه
 فرومانده از فرّه و بخت اوی

۱۰۵. کدام گزینه فاقد «مجاز» است؟

- (۱) بدان آهن که او سنگ آزمون کرد
 (۲) در این سنگم رها کن زار و بی‌زور
 (۳) دیگر مرا به ضربت شمشیر غم بزد
 (۴) هر کاو قدح ننوشد صافی درون نگرود
- تواند بیستون را بی‌ستون کرد
 دگر سنگی بر او نه تا شود گور
 فریاد از این سوار که صید حرم بزد
 وان کو نظر نیازد صاحب‌نظر نگرود

۱۰۶. در بیت زیر، کدام کلمه «مجاز» است؟

«برآمد صبح همچون نار خندان
 (۱) صبح (۲) نار (۳) گردان (۴) خنده
 بزد یک خنده بر گردون گردان»

۱۰۷. واژه «جام» در کدام گزینه، «مجاز» نیست؟

(۱) خنده جام می و زلف گره‌گیر نگار
 (۲) بیا ای یار و بر اغیار می‌خند
 (۳) آن روز که جام بر سر ما ریزد
 (۴) بنوش جام و ز غم‌های دهر ایمن باش
 ای بسا توبه که چون توبه حافظ بشکست
 بنوش این جام و با خمار می‌خند
 نوشیم به یاد لعل یاران آن را
 که این پیاله همان است که جم از آن می‌خورد

۱۰۸. در کدام ابیات، دو «مجاز» وجود دارد؟

(الف) بعد از وفات بر سر خاکم چو بگذری
 (ب) من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم
 (پ) تو به تقصیر خود افتادی از این در محروم
 (ت) در وقت گل چو غنچه چرا دل‌فسرده‌ای
 (۱) الف - ب (۲) ب - پ (۳) پ - ت (۴) الف - ت
 خاک لحد ز گریه من غم برآورد
 محتسب داند که من این کارها کمتر کنم
 از که می‌نالی و فریاد که را می‌داری
 جامی بکش به شادی گل ورنه مرده‌ای

۱۰۹. کلمه «دست» در چند مورد، «مجاز» است؟

(الف) چو دست بر سر زلفش زخم به تاب رود
 (ب) از دست و زبان که برآید
 (پ) همی‌گفت از پیکرم دست راست
 (ت) از دست تو فردا بروم داد بخواهم
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
 ور آشتی طلبم با سر عتاب رود
 کز عهده شکرش به درآید؟
 گر افتاد دست چپ اکنون به جاست
 تا چند کشم محنت و بیداد ز دستت؟

۱۱۰. کدام گزینه، فاقد «مجاز» است؟

(۱) سعدی شیرین‌زبان، این همه شور از کجا؟
 (۲) عالمی را دشمنی با من ز بهر روی توست
 (۳) چو عقوبت از جدایی بتر است عاشقان را
 (۴) غم اگر به کوه گویم، بگریزد و بریزد
 شاهد ما آیتی است وین همه تفسیر او
 لیکن از دشمن نمی‌ترسم که میلیم سوی توست
 به کدام قدرت از ما سر انتقام داری
 که دگر بدین گرانی، نتوان کشید باری

۱۱۱. کلمات مشخص شده در کدام گزینه، «مجاز» نیست؟

(۱) پیرانه‌سرم عشق جوانی به سر افتاد
 (۲) ریخت خون خلق و می‌سازد به جولان پایمال
 (۳) مستاند همه خانه کسی را خبری نیست
 (۴) من که جز باده نمی‌بود به دستم نفسی
 وان راز که در دل بنهفتم به در افتاد
 قاتل ما بر اسیران تند می‌راند فرس
 از هر که درآید که فلان است و فلانه است
 دست گیرید که هست این نفسم باد به دست

۱۱۲. در بیت زیر، کدام واژه در معنای مجازی به کار رفته است؟

«نقد کرده است به خود نسیه طوبا و نعیم
 (۱) طوبا (۲) باغ (۳) جهان (۴) نقد
 هر که در باغ جهان سرو روانی دارد»

۱۱۳. همهٔ گزینه‌ها، به جز _____ دارای «مجاز» است.

- (۱) دست در حلقهٔ موی تو اگر نتوان کرد
- (۲) چو دیهیم شاهی به سر برنهاد
- (۳) سرو را گرچه به بالای تو ماندی نیست
- (۴) اظهار عجز پیش نگارم اثر نداشت

۱۱۴. در بیت زیر، کدام کلمه در معنای مجازی به کار رفته است؟

- «به طول و عرض و رنگ و گوهر و حدّ
چو خورشیدی که درتابد ز روزن»
- (۱) خورشید (۲) روزن (۳) رنگ (۴) گوهر

۱۱۵. کدام گزینه فاقد «مجاز» است؟

- (۱) نمایم به گیتی یکی دستبرد
- (۲) هرگز به خون مردم مایل نبود چشمش
- (۳) هر چوب در تجمل چون بزم میر گشت
- (۴) به استغنا توان خون در جگر کردن نکویان را

۱۱۶. در همهٔ ابیات، به جز _____ «مجاز» به کار رفته است.

- (۱) ای که دستت می‌رسد کاری بکن
- (۲) در بزم دور یک دو قدح درکش و برو
- (۳) مژه سیاهت از کرد به خون ما اشارت
- (۴) روز باران نتوان بار سفر بست، ولیک

۱۱۷. چند بیت از ابیات زیر، دارای «مجاز» است؟

- (الف) هر کاو نکند فهمی زین کلک خیال‌انگیز
(ب) اکنون نفسم را اثری نیست در این قوم
(پ) خسروا در همه انواع هنر دستت هست
(ت) گل در بر و می در کف و معشوق به کام است
(ث) هر آن که تخم بدی کشت و چشم نیکی داشت
- (۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) دو

۱۱۸. واژهٔ مشخص‌شدهٔ کدام گزینه «مجاز» نیست؟

- (۱) گر آستین دوست بیفتد به دست من
- (۲) ای جانِ جانِ جانِ جان ما نامدیم از بهر نان
- (۳) چمن حکایت اردیبهشت می‌گوید
- (۴) که گر دستم نداد آن روی دیدن

۱۱۹. کدام گزینه، فاقد «مجاز به علاقهٔ مشابهت» است؟

- (۱) از سوزش آه من همه شب
- (۲) لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید
- (۳) یا ز دیده ستاره می‌بارم
- (۴) نزیبند مرا با جوانان چمید

بر در کعبهٔ کوی تو نهم روی نیاز
جهان را سراسر همه مژده داد
بنده باقد تو از سرو سبهی آزاد است
افسوس می‌خورم نفسم کارگر نبود

که گردد ز پولاد من کوه خرد
آن مست دل‌سیه را من هوشیار کردم
گر در دو دست موسی یک چوب مار شد
ولی از دیدنش می‌گردد استغنا فراموشم

پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار
یعنی طمع مدار وصال دوام را
ز فریب او بیندیش و غلط مکن نگارا
پیش طوفان سرشکم چه محل باران را؟!

نقشش به حرام از خود صورتگر چنین باشد
ای کاش که این عمر نفس‌گیر برآید
خاصه در شیوهٔ نظم خوش و اشعار دُرر
سلطان جهانم به چنین روز غلام است
دماغ بیّهده پخت و خیال باطل بست

چندان که زنده‌ام سر من و آستان دوست (سر)
برچه گذارویی مکن در بزم سلطان ساقیا (نان)
نه عاقل است که نسیه خرید و نقد بهشت (اردیبهشت)
توانم بوی او باری شنیدن (دست)

بادام تو دوش ناغنه‌وده
مگر از آتش دوزخ بَدوش روی رهایی
یا به دیده ستاره می‌شمرم
که بر عارضم صبح پیبری دمید

۱۲۰. همهٔ گزینه‌ها، به جز _____ دارای «مجاز» هستند.

- (۱) سپهد ز خوالیگران خواست خوان
- (۲) دست ندامت چو به دندان گزید
- (۳) خدای راست مسلم بزرگواری و لطف
- (۴) تو قلۀ خیالی و تسخیر تو محال

کسی را نفرمود کاو را بخوان (خوالیگر: آشپز)
چاره به جز صبر بر اندۀ ندید
که جرم بیند و نان برقرار می‌دارد
بخت منی که خوابی و تعبیر تو محال

۱۲۱. نوع «مجاز» کلمات مشخص شده در کدام گزینه، متفاوت است؟

- (۱) یا رب آن نوگل خندان که سپردی به منش
- (۲) بعد از این دست من و دامن آن سرو بلند
- (۳) جان می‌رسد به لب، من شیرین کلام را
- (۴) یکی گردنده کوهی بر شد از دریا سوی گردون

می‌سپارم به تو از دست حسود چمنش
که به بالای چمان از بن و بیخم بر کند
تا حرف تلخی از دهن یار کشم
که جز کافور و مروارید و گوهر نیست در کانش

۱۲۲. کدام گزینه فاقد «مجاز» است؟

- (۱) از عشق پیش دوست بستم دمی کمر
- (۲) تهمتین گز اندر کمان راند زود
- (۳) سخت بی ذوق است گلشن ابر آذاری کجاست
- (۴) رشته صبرم به مقراض غمت بریده شد

آورد تاج زرین بر فرق من نهاد
بر آن سان که سیمرغ فرموده بود
بزم مستان را صفایی می‌فزودی کاشکی
همچنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع

۱۲۳. در کدام گزینه، «مجاز» وجود ندارد؟

- (۱) تو بر لختی کلوخ آب خورده
- (۲) ای قمری خزان زده چون شد که فصل گل
- (۳) این ماحضری بود که در دیدن اول
- (۴) گفتم کمند زلف تو معذورم ار کشم

چرای تکیۀ جاوید کرده؟
دیگر هوای باغ و بهاری نمی‌کنی؟
کرد از دو جهان سیر، تماشای تو ما را
در تاب رفت و گفت که معذور خوش تر است

۱۲۴. کدام بیت، فاقد «مجاز» است؟

- (۱) گر بر سر خاک من بنشینی و برخیزی
- (۲) به غمزه نرگس مستت بریخت خون دلم
- (۳) سراگر در سر کار تو کنم دوری نیست
- (۴) سهل است به خون من اگر دست برآری

(انسانی ۹۹)

تا محشر از این شادی برخیزم و بنشینم
ولیکن از بر من جان به ناتوانی برد
کان که در دست تو افتاد ز سر نندیشد
جان دادن در پای تو دشوار نباشد

۱۲۵. کدام گزینه فاقد «مجاز» است؟

- (۱) نیازمندی من در قلم نمی‌گنجد
- (۲) دو چشم محتشم از اشک سرخ گشت سفید
- (۳) جام جهان‌نماست ضمیر منیر دوست
- (۴) هر شرارت در جهان فرزند آدم می‌کند

قیاس کردم و ز اندیشه‌ها و راست هنوز
ز بهر چهره گلگون برای چشم سپاه
اظهار احتیاج خود آنجا چه حاجت است؟!
بهر گرد آوردن دینار و درهم می‌کند

بخش ۳

آزمون‌ها

آزمون (۱)



۶۸۹. آرایه‌های ذکر شده همه ابیات به استثنای بیت _____ درست است. (تجربی ۹۰)

- | | |
|---|---|
| (۱) گرچه به شب آینه نشاید نگریدن | در تو نگرم کآینه دیدار نمایی
(مراعات نظیر - حسن تعلیل) |
| (۲) چو به خنده بازیابم اثر دهان تنگش | صدف گهر نماید شکر عقیق رنگش
(استعاره - ایهام) |
| (۳) تیرقدی کمان کشی زهره‌رخی و مه‌وشی | جانت فدا که بس خوشی جان و جهان کیستی؟
(تشبیه - جناس) |
| (۴) خورشیدی و آن‌گه به شب آبی عجب این است | شب روز نماید چو تو دیدار نمایی
(تضاد - اغراق) |

۶۹۰. در بیت «وگر گوید نهم رخ بر رخ ماه / بگو با رخ برابر چون شود شاه»، کدام آرایه‌های ادبی یافت می‌شود؟ (تجربی ۹۰)

- (۱) کنایه - جناس همسان - ایهام - استعاره
- (۲) کنایه - جناس ناهمسان - ایهام - اسلوب معادله
- (۳) تشبیه - جناس همسان - مراعات نظیر - ایهام تناسب
- (۴) اسلوب معادله - جناس ناهمسان - مراعات نظیر - استعاره

۶۹۱. آرایه‌های بیت «از بس که با جان و دلم ای جان و دل آمیختی / چون نکهت از آغوش گل بوی تو خیزد از گلم»، کدام‌اند؟ (انسائی ۹۱)

- (۱) استعاره - تشبیه - تشخیص - جناس - مجاز (۲) استعاره - مراعات نظیر - جناس - ایهام - کنایه
- (۳) تشبیه - کنایه - تشخیص - ایهام - حسن آمیزی (۴) مراعات نظیر - ایهام تناسب - نغمه حروف - تضمن

۶۹۲. آرایه‌های کدام گزینه، تماماً در بیت «برکنم از زمین دل بیخ امل به بیل غم / خار اجل ز راه جان برنکنم، دریغ من» وجود دارد؟ (انسائی ۹۱)

- (۱) ایهام - جناس - تضاد - لف و نشر
- (۲) کنایه - تشبیه - استعاره مکنیه - جناس
- (۳) تشبیه - استعاره مکنیه - مراعات نظیر - لف و نشر (۴) تشخیص - کنایه - ایهام - تضاد

۶۹۳. اگر ابیات زیر را به ترتیب داشتن آرایه‌های «اغراق، ایهام تناسب، متناقض‌نما، اسلوب معادله و تشبیه مَرَجِح» مرتب کنیم، کدام گزینه، درست است؟

- | | |
|--|---|
| (الف) چه نشاطی است ندانم سر سودای تو را | که به بازار غمت جای خریدار نماند |
| (ب) مست هوشیار ندیده‌ست کسی جز چشمت | خاصه وقتی که شود رهزن هشیاری چند |
| (پ) در سرو رسیده است ولیکن به حقیقت | از سرو گذشته است که سیمین بدن است آن |
| (ت) نصیحت‌گوی را از من بگوای خواجه دم درکش | چوسیل از سرگذشت این را چه می‌ترسانی از باران؟ |
| (ث) شب فراق تو در خون خویش می‌خفتم | ز بس که هر سر مویم چو نیشتر می‌گشت |

- (۱) الف - پ - ب - ت - ث
- (۲) الف - ت - پ - ب - ث
- (۳) ث - الف - ب - ت - پ
- (۴) ث - ب - پ - الف - ت

۶۹۴. آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

(انسانی ۹۱)

- «هرچند چو گل گوش فکندیم در این باغ حرفی که برد راه به جایی نشنیدیم»
- (۱) تشبیه - مجاز - کنایه - استعاره
(۲) تشبیه - تشخیص - جناس - حسن آمیزی
(۳) استعاره - مراعات‌نظیر - تشخیص - ایهام
(۴) مجاز - ایهام - حسن آمیزی - مراعات‌نظیر

۶۹۵. در بیت «از چنگ غم خلاص تمنی کنم ز دهر / کافغان به نای حلق چو ارغن [نوعی ساز] در آورم»،

(انسانی ۹۱)

کدام آرایه‌های ادبی «تماماً» یافت می‌شود؟

- (۱) استعاره - ایهام - تضاد - مجاز
(۲) استعاره - ایهام تناسب - حسن تعلیل - مجاز
(۳) تشخیص - ایهام - تشبیه - کنایه
(۴) تشخیص - تشبیه - استعاره - ایهام تناسب

۶۹۶. آرایه‌های «مجاز، حسن تعلیل و ایهام»، به ترتیب در کدام بیت‌ها آمده است؟

(انسانی ۹۲)

- الف) بر بوی سر زلف تو چون عود بر آتش می‌سوزم و می‌سازم و باد است به دستم
ب) کیست آن بی‌بدل که هست احد الذی لـم یلـد و لـم یولد
پ) آفتاب حسن او تا شعله زد ماه رخ در پرده پنهان می‌کند
ت) گفت فردا بشنوی این بانگ را نعره یا حسرتا یا ویلتا
- (۱) ب - پ - الف
(۲) ب - الف - پ
(۳) ت - پ - الف
(۴) ت - الف - پ

۶۹۷. آرایه‌های ذکرشده برای کدام بیت، نادرست است؟

(انسانی ۹۱)

- (۱) دلی سربلند و سری سربه‌زیر از این دست عمری به سر برده‌ایم
(۲) روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید (جناس - حسن آمیزی)
(۳) عیش دل شکسته عزا می‌کنی چرا؟ حالیا چشم جهانی نگران من و توست (مجاز - ایهام)
(۴) این جزر و مد چیست که تا ماه می‌رود؟ عیدم تویی که من به تو قربان نیامدی (ایهام تناسب - تضاد)
(تلمیح - تشبیه) دریای درد کیست که تا چاه می‌رود؟

۶۹۸. یکی از آرایه‌های ذکرشده برای کدام بیت، نادرست است؟

(انسانی ۹۵)

- (۱) گوشه‌گیران قفس را نکهت گلشن بس است دیده کنعانیان را بوی پیراهن بس است (تلمیح - جناس)
(۲) از دل پر خون تراوش گر کند اسرار عشق پرده‌پوش راز گوهر سینه دریا بس است (استعاره - کنایه)
(۳) همچو طوق قمریان آغوش ما گستاخ نیست جلوه‌ای از دور از آن سرور روان ما را بس است (واج‌آرایی - استعاره)
(۴) خط عذار یار که بگرفت ماه از او خوش حلقه‌ای است لیک به در نیست راه از او (ایهام - تشبیه)



آزمون (۲)

۶۹۹. در بیت «دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل / مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمنان» همه آرایه‌های ادبی کدام گزینه یافت می‌شود؟

(انسانی ۹۰)

- (۱) کنایه - جناس - استعاره - تضاد
 (۲) متناقض‌نما - کنایه - تلمیح - جناس
 (۳) تضاد - جناس - اسلوب معادله - استعاره
 (۴) جناس - استعاره - تشبیه - متناقض‌نما

۷۰۰. آرایه‌های بیت «دهر سیه کاسه‌ای است ما همه مهمان او / بی‌نمکی تعبیه است در نمک خوان او» کدام است؟

(انسانی ۹۰)

- (۱) کنایه - تشبیه - پارادوکس - استعاره
 (۲) کنایه - ایهام تناسب - تضاد - تشخیص
 (۳) استعاره - کنایه - تضاد - اسلوب معادله
 (۴) تشبیه - پارادوکس - مراعات‌نظیر - ایهام تناسب

۷۰۱. ترتیب درست ابیات به دلیل داشتن آرایه‌های «کنایه، حسن آمیزی، اغراق، اسلوب معادله و استعاره کنایی» کدام است؟

(انسانی ۹۰)

- | | |
|--|--|
| الف) ساقیم کرد چنان مست که هنگام سماع | سنگ بر شیشه نه طارم مینا زده‌ام |
| ب) هر دو عالم چیست تا ما قیمت یوسف کنیم | می‌توان بخشید اگر سنگی به چاه افکنده‌ایم |
| پ) هر چه جز معشوق باشد، پرده بیگانگی است | بوی یوسف را ز پیراهن شنیدن مشکل است |
| ت) اظهار عجز پیش ستمگر ز ابلهی است | اشک کباب موجب طغیان آتش است |
| ث) مگر در دامن خورشید اندازد سر خود را | وگر نه چشم شبنم سیر از گلزار کی گردد |
- (۱) پ - الف - ت - ث
 (۲) پ - ت - پ - الف - ث
 (۳) ث - الف - ب - ت - پ
 (۴) ت - پ - الف - ث - ب

۷۰۲. آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

(انسانی ۹۰)

- «طبع تو سیر آمد از من جای دیگر دل نهاد / من که را جویم که چون تو طبع هر جاییم نیست»
- (۱) تشبیه - مجاز - کنایه - جناس
 (۲) تشخیص - استعاره - تشبیه - حسن تعلیل
 (۳) کنایه - جناس - حسن تعلیل - مراعات‌نظیر
 (۴) تشبیه - استعاره - مجاز - لف و نشر

۷۰۳. آرایه‌های بیت «مژگان تو خنجر به رخ ماه کشیده / ابروت زده بر سر خورشید کمان را» کدام است؟

(انسانی ۸۹)

- (۱) تشبیه - کنایه - مراعات‌نظیر - استعاره
 (۲) اسلوب معادله - مجاز - تشبیه - کنایه
 (۳) تلمیح - تشبیه - کنایه - ایهام تناسب
 (۴) مجاز - مراعات‌نظیر - ایهام - اسلوب معادله

۷۰۴. در کدام گزینه، هر سه آرایه «جناس، تضاد و تشبیه» وجود دارد؟

(انسانی ۸۹)

- (۱) جز این نیست پیدا که انسان دلی است
 (۲) جهان جهان را به شادی گذار
 (۳) چو دونان در این خاکدان دنی
 (۴) هنرمند باید که باشد چو فیل
- که او هست باقی و باقی فناست
 مکن خویشتن را به غم مضطرب
 مباحش از برای دو نان مضطرب
 کزین نوع هر جای بسیار نیست


— بخش ۴ —

پاسخ نامه


۷۶. گزینه «۱» ۱. من شهر هشتم ۲. سیلاب محبت
 ۳. تو گنجی ۴. ویرانه دل‌ها
- بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲. زلف او دام است. ۲. خالش دانه است. ۳. ۱. تنم چون موی شده است. ۲. دلم چون نال شده است. ۴. ۱. روز سپید من مانند خال سیاه تو شده است. ۲. صورت حال من چون زلف آشفته تو گشته است.
۷۷. گزینه «۳» **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. ماه به حصارى ۲. تو مثل خورشید ۴. گره به خال

درس ۲

۷۸. گزینه «۳» در این بیت، «جان» در معنای حقیقی است؛ اما «خاک» مجاز از «انسان» است.
- توجه!** هر چند در کتاب درسی فقط به علاقه شباهت اشاره شده است اما برای بهتر و عمیق‌تر رسیدن به پاسخ سؤال بهتر است علاقه‌های «کلیه، جزئیه، محلیه و...» را بشناسید پس در سنامه این درس را به دقت بخوانید.
- بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. «بیت» مجاز از «شعر» عالم است که جزء را گفته است و کل را اراده می‌کند. ۲. «سر» مجاز از «قصد و تصمیم» است که محل تصمیم است. ۴. «سر» مجاز از «موی سر» است.
۷۹. گزینه «۲» «عالم» مجاز از «مردم عالم» است که رابطه تشبیه بین عالم و مردم عالم نیست.
- بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. «نرگس» استعاره از «ستاره‌ها» است و «گل زرد» استعاره از «خورشید» است و این نوع مجاز، مجاز به علاقه شباهت (استعاره) است. ۳. «ستاره» استعاره از «یار» است که رابطه یار با ستاره، شباهت است. ۴. «درخت» استعاره از «وجود» است و مجاز به علاقه شباهت و «چرخ نیلوفری» استعاره از «آسمان و روزگار» است و مجاز به علاقه شباهت.
۸۰. گزینه «۳» «زهره» به علاقه سببیه مجاز از جرأت است.

نکته  قدما معتقد بودند ترس شدید موجب ترکیدن زهره فرد می‌شود.

«خط» مجاز از دستور و فرمان است. (سر تاباندن: کنایه از نافرمانی است.)

نکته  چون پادشاهان فرمان خود را مکتوب می‌کرده‌اند، شاعر به جای واژه «فرمان» از «خط» استفاده کرده که مجاز از فرمان است.

۶۸. گزینه «۳» دل من در هوس روی تو «مشبه»، خاک که در دست نسیم است «مشبه به»
۶۹. گزینه «۲» ترکیبات «زمین دل، بیل غم، خار اجل و راه جان» تشبیه فشرده اضافی هستند. (چهار تشبیه)
- بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. ۱. نسیم سر زلف «مشبه»، دم جان بخش مسیح «مشبه به» ۲. بناگوش چو نسیم ۳. بناگوش مانند ید بیضای کلیم «لب لعل» تشبیه فشرده اضافی است. ۴. «نقد خرد» و «ملک عشق» تشبیه فشرده اضافی هستند.
۷۰. گزینه «۳» چهار بیت اول همگی «وجه شبه» دارند. **بررسی ابیات:** الف. کارش مانند موی دوست «به هم برآمده» است. ب. ضمیرم همچو بلبل «ز مستی در خروش» است. پ. این نشان مانند راه کج «بر همه کس آشکار نیست». ت. من را مانند تیر با دست خودت «بینداختی»! ث. از نظر قد و بالا مانند سرو است و مانند بهمن است (وجه شبه ذکر نشده است). رویین تن بودن یکی از ویژگی‌هایی است که به او نسبت داده شده است و ارتباطی به این دو تشبیه ندارد.
۷۱. گزینه «۲» گورهای نکننده مانند چشم‌های زمین است.
۷۲. گزینه «۳» **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. «بازار امکان» تشبیه فشرده اضافی است. ۲. «طومار دل» تشبیه فشرده اضافی است. ۴. «لوح سینه» و «نقش مهر» تشبیه فشرده اضافی است.
۷۳. گزینه «۳» **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. یک هفته رفتن معشوق مانند یک سال است. ۲. دل من مانند دانه بریان شده است. ۴. مهر آن ماه (معشوق) مانند روزه برای من واجب است.
۷۴. گزینه «۴» «می‌ماند» به معنای «مانند است» و ادات تشبیه محسوب می‌شود.
- بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. «چو» به معنای «وقتی که» است. ۲. چو به معنای «هنگامی که» است. ۳. می‌ماند به معنای «برجای ماندن» است.
۷۵. گزینه «۴» «لعلش آتش است» تشبیه فشرده غیر ترکیبی و «قد سرو» تشبیه فشرده اضافی است.
- بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. ۱. «سپیل عشق» تشبیه فشرده اضافی ۲. «کوه چون کاه» تشبیه فشرده نیست ۳. «کوه قاف و صبر پایدار من یکی است» ۲. «تیر مژگان» تشبیه فشرده اضافی است و تشبیه فشرده غیر ترکیبی وجود ندارد. ۳. «ملک فصاحت» تشبیه فشرده اضافی است و «تو چون زبان» تشبیه فشرده نیست.

۸۱. گزینه «۳» «جوانی» در معنی حقیقی به کار رفته است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «گل» مجاز از «بهار» است. ۲ «سر» در معنای «قصد، تصمیم و اراده» است. ۴ «خون» مجاز از «کشتن» است.

۸۲. گزینه «۲» «ایران» مجاز از «مردم ایران» است که رابطه ایران با مردم ایران، رابطه کل به جزء یا محل با آنچه درون محل هست، است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «گوش» مجاز از «انسانی» که در حال گوش کردن است و رابطه گوش و انسان رابطه جزء به کل است. ۳ «بیت» مجاز از «شعر» است و رابطه جزء به کل دارد. ۴ «الحمد» مجاز از «فاتحه» است که رابطه این دو، جزء به کل است.

۸۳. گزینه «۳» مجاز به رابطه شباهت، همان استعاره مصرحه است. «مرغ» مجاز از «انسان دردمند» یا «روح انسان دردمند»، «گلشن ویران» مجاز از «دنیا»، «قفس» مجاز از «دنیا» یا «جسم انسان» و «هزاران» مجاز از «دوست و همراهان» (چهار مورد) **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «برف» مجاز از «موی سپید» و «پَر زاغ» مجاز از «موی سیاه» (دو مورد) ۲ «نرگس» مجاز از «چشم» و «گل» مجاز از «چهره» و «گونه» (دو مورد) ۴ «ماه» مجاز از «یار و معشوق»، «نرگس» مجاز از «چشم» و «لؤلؤ» مجاز از «اشک» (سه مورد)

۸۴. گزینه «۲» «دماغ» به معنی مغز است که در این بیت در معنای مجازی خود، «خیال و فکر» به کار رفته است. «چشم داشتن»، کنایه از توقع داشتن است و «چشم» مجاز نیست. (مغز جایگاه فکر و خیال است، بنابراین دماغ با علاقه محلیه مجاز از مغز است.)

۸۵. گزینه «۳» «سینه» مجاز از «تمام وجود» است؛ شاعر جزء را گفته است و کل وجود را در نظر دارد.

۸۶. گزینه «۴» «پال» مجاز از «کل وجود» است.

۸۷. گزینه «۱» در این بیت هیچ مجازی به کار نرفته است و «شهر» هر دو بار در معنی حقیقی به کار رفته است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ «جهان» مجاز از مردم جهان است. (علاقه محلیه) ۳ «نفس» مجاز از سخن است. (علاقه سببیه) نفس کشیدن سبب و علت صحبت کردن است، بنابراین مجاز یا علاقه سببیه است. ۴ «پا» در معنی مجازی است زیرا خار در کف پا یا قسمتی از پا فرومی‌رود. در واقع «پا» کل است که منظور جزئی از پا است.

۸۸. گزینه «۲» «دشت» در این گزینه در معنای حقیقی است؛ اما «جهان» مجاز از «مردم جهان» است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «دشت» مجاز از «مردم دشت» است که قرینه دیدگان پرز خون، معنی حقیقی را مشخص می‌کند. ۳ «دشت» مجاز از «مردم داخل دشت» با قرینه «پیشش درم ریختند» است. ۴ «دشت» مجاز از «مردم دشت» با قرینه «بریان شدند» و «بر آن چهره خندان گریستند».

۸۹. گزینه «۴» **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «جهان» مجاز از «مردم جهان» است. ۲ «خاک» مجاز از «قبر» است. ۳ «حرف» مجاز از «سخن» است.

۹۰. گزینه «۲» «سر رشته» در معنای حقیقی است؛ به معنای «سر و ابتدای رشته» است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «سر» به معنی «قصد و تصمیم و اراده» است. ۳ «سر» در این گزینه به معنی «قسمتی از سر» است. ۴ «سر» به معنی «موی سر» است به قرینه «سپید شدن».

۹۱. گزینه «۱» «میکند» به قرینه فعل «گشودن» در معنای مجازی «در میکند» به کار رفته است زیرا «در» گشودنی است.

۹۲. گزینه «۲» «ساغر» مجاز از «شراب» است و «لعل» مجاز از «لب» با رابطه شباهت که در واقع استعاره است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «گنج مراد» استعاره از «یار» است و مجاز با رابطه شباهت و «خانه» استعاره از «دل» است و مجاز با رابطه شباهت. ۳ «پیاله» مجاز از «شراب» است. ۴ «نرگس» و «طارم فیروزه»، هر دو مجاز با رابطه شباهت است؛ منظور از «نرگس»، «چشم» و منظور از «طارم»، «آسمان» است.

۹۳. گزینه «۳» **بررسی همه موارد:** الف «می» مجاز از «پیاله» است. ب «سر» مجاز از «چشم» است. پ «مفتعلن مفتعلن مفتعلن» مجاز از «عروض و اوزان شعری» است. ت مجاز ندارد. ث «شهر» مجاز از «مردم شهر» است.

۹۴. گزینه «۱» در گزینه «۱» هیچ مجازی وجود ندارد و «عالم» در معنی حقیقی (جهان) به کار رفته است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ «سر» مجاز از قسمتی از سر است که درد می‌گیرد. کل سر به جای قسمتی از آن به کار رفته است. (علاقه کلیه) ۳ «آب انگور» مجاز از شراب است در واقع شراب از «آب انگور» گرفته می‌شود و شاعر آنچه که قبل از «شراب» شدن، بوده است را بیان کرده و شراب را منظور کرده. ۴ «بر» به قرینه فعل «کاشتن» در معنی مجازی به کار رفته است زیرا «بر» به معنی میوه و ثمر است و کاشتنی نیست و در اینجا در معنی مجازی «دانه» است.

۸۱. گزینه «۳» «جوانی» در معنی حقیقی به کار رفته است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «گل» مجاز از «بهار» است. ۲ «سر» در معنای «قصد، تصمیم و اراده» است. ۴ «خون» مجاز از «کشتن» است.

۸۲. گزینه «۲» «ایران» مجاز از «مردم ایران» است که رابطه ایران با مردم ایران، رابطه کل به جزء یا محل با آنچه درون محل هست، است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «گوش» مجاز از «انسانی» که در حال گوش کردن است و رابطه گوش و انسان رابطه جزء به کل است. ۳ «بیت» مجاز از «شعر» است و رابطه جزء به کل دارد. ۴ «الحمد» مجاز از «فاتحه» است که رابطه این دو، جزء به کل است.

۸۳. گزینه «۳» مجاز به رابطه شباهت، همان استعاره مصرحه است. «مرغ» مجاز از «انسان دردمند» یا «روح انسان دردمند»، «گلشن ویران» مجاز از «دنیا»، «قفس» مجاز از «دنیا» یا «جسم انسان» و «هزاران» مجاز از «دوست و همراهان» (چهار مورد) **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «برف» مجاز از «موی سپید» و «پَر زاغ» مجاز از «موی سیاه» (دو مورد) ۲ «نرگس» مجاز از «چشم» و «گل» مجاز از «چهره» و «گونه» (دو مورد) ۴ «ماه» مجاز از «یار و معشوق»، «نرگس» مجاز از «چشم» و «لؤلؤ» مجاز از «اشک» (سه مورد)

۸۴. گزینه «۲» «دماغ» به معنی مغز است که در این بیت در معنای مجازی خود، «خیال و فکر» به کار رفته است. «چشم داشتن»، کنایه از توقع داشتن است و «چشم» مجاز نیست. (مغز جایگاه فکر و خیال است، بنابراین دماغ با علاقه محلیه مجاز از مغز است.)

۸۵. گزینه «۳» «سینه» مجاز از «تمام وجود» است؛ شاعر جزء را گفته است و کل وجود را در نظر دارد.

۸۶. گزینه «۴» «پال» مجاز از «کل وجود» است.

۸۷. گزینه «۱» در این بیت هیچ مجازی به کار نرفته است و «شهر» هر دو بار در معنی حقیقی به کار رفته است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ «جهان» مجاز از مردم جهان است. (علاقه محلیه) ۳ «نفس» مجاز از سخن است. (علاقه سببیه) نفس کشیدن سبب و علت صحبت کردن است، بنابراین مجاز یا علاقه سببیه است. ۴ «پا» در معنی مجازی است زیرا خار در کف پا یا قسمتی از پا فرومی‌رود. در واقع «پا» کل است که منظور جزئی از پا است.

۸۸. گزینه «۲» «دشت» در این گزینه در معنای حقیقی است؛ اما «جهان» مجاز از «مردم جهان» است.

۱۰۱. گزینه «۴» «مجاز» با رابطه شباهت همان استعاره «مصرحه» است. در گزینه «۴»، «لعل» استعاره از «لب» است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «سر» مجاز از «فکر، قصد و تصمیم» است. ۲ «دست» مجاز از «قدرت و توانایی» است. ۳ «دم» مجاز از «سخن» است.

۱۰۲. گزینه «۱» «پرده» در این بیت به معنی «آهنگ» به کار رفته است.

۱۰۳. گزینه «۴» «گل» مجاز از «بهار» است به قرینه «فصل و گذشتن». **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «ساغر» مجاز از «شراب» است به قرینه «خوردن». ۲ «جهان» مجاز از «مردم جهان» به قرینه «در پی کسی بودن». ۳ «شهر» مجاز از «مردم شهر» به قرینه «به جنگ درآمدن».

۱۰۴. گزینه «۱» **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ «جهان» مجاز از «مردم جهان» است به قرینه «دل نهادن». ۳ «جهان» به قرینه «نظاره شده» مجاز از «اهل جهان» است. ۴ «جهان» به قرینه «انجمن شدن» مجاز از «مردم جهان» است.

۱۰۵. گزینه «۳» این گزینه مجاز ندارد. **بررسی گزینه‌ها:** ۱ «آهن» مجاز از تیشه است (به قرینه بیستون) که جنس تیشه بیان شده است. ۲ «سنگ» در مصراع اول به معنی «خانه و کاخ» است که از جنس سنگ ساخته شده است. ۴ «قدح» به قرینه نوشیدن به معنی شراب است؛ زیرا ظرف شراب را بیان کرده و منظور خود شراب است.

۱۰۶. گزینه «۱» «صبح» به قرینه «برآمدن» مجاز از «خورشید» است.

۱۰۷. گزینه «۱» هم‌نشینی جام و می نشان می‌دهد که «جام» در معنای حقیقی به کار رفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ قرینه «بنوش» نشان می‌دهد که «جام» در معنای مجازی به کار رفته است و منظور «شراب» است. ۳ قرینه «ریختن و نوشیدن» نشان می‌دهد که «جام» مجاز از «شراب» است. ۴ قرینه «نوشیدن» نشانه مجازی بودن «جام» است که معنی مد نظر، «شراب» است.

۱۰۸. گزینه «۴» در بیت «الف»، «خاک» مجاز از قبر است؛ زیرا خاک، جنس گور است و «لحد» مجاز از قبر است زیرا لحد یکی از اجزای گور حساب می‌شود و در بیت «ت»، «گل» مجاز از بهار و «جام» مجاز از شراب است.

۹۵. گزینه «۱» منظور از مجاز با رابطه شباهت، استعاره است.

۱. «مشک ناب» استعاره از «زلف» است. ۲. «آفتاب» استعاره از «رخسار یار» است. (دو مورد)

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ «ماه» استعاره از «انسان زیباروی» است. (یک مورد) ۳ «نرگس» استعاره از «چشم» است. (یک مورد) ۴ «قمر» استعاره از «انسان زیباروی» است. (یک مورد)

۹۶. گزینه «۳» **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «سیر» مجاز از «بیزار» است؛ زیرا انسان وقتی از چیزی سیر می‌شود، از آن دل می‌کند.

توجه! در عبارتی مثل «از چیزی سیر شدن» مجاز از بیزاری است و نباید با کنایه اشتباه شود. ۲ «دست» مجاز از «قدرت و توانایی» است. از مشرق به مغرب قرینه می‌شود که دست در معنای حقیقی نیست. ۴ «قلم» مجاز از «نوشته» است. / زبان: انسان مدحت‌خوان

۹۷. گزینه «۲» منظور از «پیغمبر» اختصاصاً پیامبر اسلام، مد نظر است که از واژه عام پیامبر استفاده کرده است. «سر» مجاز از «انسان» است که جزء را گفته است و کل را مد نظر دارد.

۹۸. گزینه «۴» در همه ابیات مجاز به کار رفته است. **بررسی همه موارد:** الف «آهن» مجاز از شمشیر است زیرا جنس آن را گفته‌اند و منظور خود شمشیر است. ب «سیر» به معنی «دلزده و متنفر» است زیرا دلیل تنفر و دلزدگی سیر شدن است. پ «الماس» مجاز از شمشیر است زیرا جنس آن را گفته ولی منظور خود شمشیر است. ت «سجده» مجاز از «عبادت» است که قسمتی از عبادت می‌تواند سجده باشد. ث «مرد» مجاز از انسان است که یکی از انواع جنس انسان مرد است.

۹۹. گزینه «۴» «قلم» مجاز از «نوشته، شعر و اثر» است.

۱۰۰. گزینه «۴» **بررسی موارد:** الف «مرد» مجاز از «انسان» است. در واقع یکی از دو جنس انسان را گفته و منظورش انسان است. ب «مرگان» مجاز از «چشم» است. جزئی از اجزای چشم را گفته و منظورش کل چشم است. پ «نان» مجاز از «رزق و روزی» است که نان قسمتی از آن است. ت «حلق» مجاز از «انسان» است. با گفتن جزء، کل را اراده کرده است.

بررسی سایر ابیات: ب «ساغر» مجاز از شراب است؛ زیرا ظرف را گفته و محتویات آن را در نظر داشته. (یک مجاز) پ «در» مجاز از درگاه و مکان خاص است. جزئی از کل درگاه را بیان کرده. (یک مجاز)

۱۰۹. گزینه «۳» **بررسی موارد:** الف «دست» در این بیت منظور «قسمتی از دست» است. ب «دست» به معنی «توانایی و قدرت» است. پ «دست راست» در معنای نهاده‌اش آمده است و مجاز نیست. ت «دست» در این بیت به معنی «ظلم و ستم» است.

۱۱۰. گزینه «۴» **بررسی سایر گزینه‌ها:** ا «زبان» مجاز از «سخن» است. ب «عالم» مجاز از «مردم عالم» است. ج «سر» مجاز از «قصد، تصمیم و فکر» است.

۱۱۱. گزینه «۲» «خون خلق را ریختن» کنایه از «کشتن» است و خون مجاز نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها: ا «سر» مجاز از «فکر و خیال و اندیشه» است. ب «خانه» مجاز از «اهل خانه» است به قرینه «مست بودن». ج «باد» مجاز از «ظرف باد» است به قرینه «در دست بودن».

۱۱۲. گزینه «۱» «طوبا» نام درختی در بهشت است که در اینجا به معنی یکی از نعمت‌های بهشتی به کار رفته است و صرفاً منظور خود طوبا نیست.

۱۱۳. گزینه «۳» **بررسی سایر گزینه‌ها:** ا «دست» مجاز از «انگشت و پنجه» است؛ زیرا تمام دست را نمی‌توان در زلف کسی کرد. ب «جهان» مجاز از «اهل جهان» است به قرینه «مژده دادن». ج «نفس» مجاز از «سخن» است به قرینه «کارگر نیفتادن».

۱۱۴. گزینه «۱» «خورشید» به قرینه «تابیدن» مجاز از «نور خورشید» است.

۱۱۵. گزینه «۴» در این بیت «خون در جگر کردن» عبارت کنایی است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ا «پولاد» مجاز از تیشه است. در واقع جنس تیشه بیان شده است؛ ولی منظور خود آن است. (قرینه آن: خرد شدن کوه) ب «خون» مجاز از کشتن است. (زیرا کشتن معمولاً با ریخته شدن خون همراه است.) ج «چوب» در مصراع دوم در معنی «عصا» به کار رفته که جنس عصا مطرح شده ولی منظور خود عصا است.

۱۱۶. گزینه «۴» **بررسی سایر گزینه‌ها:** ا «دست» مجاز از «قدرت و توانایی» است به قرینه «کاری بکن» و «می‌رسد». ب «قدح» مجاز از «شراب» به قرینه «درکش (بنوش)». ج «خون» مجاز از «کشتن» است.

۱۱۷. گزینه «۳» **بررسی موارد:** الف «کلک» به قرینه «فهم کردن و خیال‌انگیز بودن» مجاز از «شعر» است. ب «نفس» به قرینه «اثری نیست» مجاز از «سخن» است. ج «دست» به قرینه «در انواع هنر» مجاز از «قدرت و توانایی» است. ت «می» به قرینه «کف» مجاز از «ظرف شراب» است.

ث «دماغ (مغز)» به قرینه «پختن» مجاز از «فکر» است. ۱۱۸. گزینه «۴» «دست» در این بیت در عبارت کنایی «دست دادن» به کار رفته است و مجاز نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها: ا «سر» در این بیت در معنی مجازی «پیشانی» است زیرا انسان پیشانی را بر آستان یار می‌گذارد نه کل سر را. ب «نان» مجاز از رزق و روزی است که یکی از ارزاق انسان نان است. ج «اردیبهشت» مجاز از بهار است؛ که یکی از فصول بهار اردیبهشت است.

۱۱۹. گزینه «۲» «لب و دندان» مجاز از «کل وجود شاعر» است و رابطه شباهت در این مجاز نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها: ا «بادام» استعاره از «چشم» است که به دلیل شباهت، چشم را به بادام شباهت کرده است. ب «ستاره» به قرینه «دید» استعاره از «اشک» است که رابطه اشک و ستاره، رابطه شباهت است. ج «صبح» به قرینه «عارض و دمیدن» استعاره از «موی سفید» است و بین صبح و موی سفید، رابطه شباهت وجود دارد.

۱۲۰. گزینه «۴» **بررسی سایر گزینه‌ها:** ا «خون» مجاز از «محتویات (غذا)» است. ب «دست» مجاز از «سرانگشت» است. ج «نان» مجاز از «رزق و روزی» است. ۱۲۱. گزینه «۳» «حرف» مجاز از «سخن» است که «حرف» یکی از اجزای کلمه است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ا «نوگل خندان» استعاره از «یار» است، در واقع «یار» (مشبه) به «گل» تشبیه شده است و بین گل و یار، رابطه شباهت وجود دارد. ب «سرو بلند» استعاره از «یار» است که مجاز با رابطه شباهت است. ج «کوه» استعاره از «ابر» است که از قرینه «بر شدن از دریا» این را متوجه می‌شویم.

حذف شده است. (مکنیه) **پ** ای گل تشخیص است. در واقع گل به انسانی تشبیه شده است و مشبّه‌به (انسان) حذف شده است. **ت** باد بامدادی مورد خطاب است و تشخیص دارد. در واقع مشبّه‌به (انسان) حذف شده است. **۱۲۸. گزینه «۳»** در این بیت «غمزه» خونخواره است و تشخیص و استعاره مکنیه دارد و «تیر» در مصراع دوم هم تشخیص دارد؛ زیرا همین ویژگی‌های خونخواره و دل‌دوز بودن را دارد. **بررسی سایر گزینه‌ها: ۱** «مشک ختن» تشخیص و استعاره مکنیه دارد، زیرا شاعر رمزی از چین زلف یارش را به او می‌گوید. **۲** «غبار» استعاره مصرحه از هر چیزی که دل را کدر می‌کند مانند کینه یا گناه **۴** «چرخ مینایی» استعاره مصرحه از آسمان است.

۱۲۹. گزینه «۱» «آینه» استعاره از «دل» است. «مشبّه» حذف شده است. (مصرحه) «زنگار» استعاره از «گناه و اشتباه» است. «مشبّه» حذف شده است. (مصرحه) رخ به آینه برمی‌گردد و تشخیص است. در واقع آینه به انسانی تشبیه شده است که رخ دارد. (مکنیه)

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ «نرگس» استعاره از «چشم»، «لاله» استعاره از «رخسار» و «مروارید» استعاره از «اشک» است. در همه آن‌ها «مشبّه» حذف شده است. (مصرحه) **۳** آشار به انسان تشبیه شده است؛ مشبّه‌به محذوف است. **۴** «چشم ناله» و «روی شکوه»، هر دو تشخیص است. در واقع ناله و شکوه به انسان تشبیه شده‌اند که روی و چشم دارند. (مکنیه) **۱۳۰. گزینه «۳»** «آفتاب خوبان» استعاره از معشوق است. آفتاب خوبان (مشبّه‌به) ذکر شده و «معشوق» (مشبّه) محذوف است.

توجه! یکی از مواردی که باید به آن توجه کنید منادا در جمله است گاهی اوقات خود کلمه بعد از حرف ندا منادای جمله است و گاهی منادا محذوف است و گاهی مثل همین مثال منظور از آفتاب معشوق است. **بررسی سایر گزینه‌ها: ۱** ای نسیم سحر تشخیص است و «مشبّه‌به» که انسان است، حذف شده است. (مکنیه) و «مه» استعاره از «معشوق» است. در واقع «مشبّه» حذف شده است. (مصرحه) **۲** «ای عشق» تشخیص است و مشبّه‌به (انسان) حذف شده است (مکنیه) و «ساز» استعاره از «دل» است که مشبّه حذف شده است. (مصرحه) **۴** در «کنگرة عرش»، عرش مانند کاخی است که کنگره دارد. «مشبّه‌به» حذف شده است (مکنیه) و «دامگه» استعاره از «دنیا» است که مشبّه (دنیا) حذف شده است. (مصرحه)

۱۲۲. گزینه «۴» در این گزینه هیچ کلمه‌ای در معنای مجازی به کار نرفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «فرق» مجاز از روی سر است؛ زیرا قسمتی از «سر» گفته شده و کل آن در نظر گرفته شده است. **۲** «گز» مجاز از تیر است که از جنس چوب گز است. **۳** «آذار» مجاز از بهار است؛ در واقع آذار یکی از ماه‌های بهاری در تقویم رومی است که در معنای مجازی بهار به کار رفته است.

۱۲۳. گزینه «۴» **بررسی سایر گزینه‌ها: ۱** «کلوخ» مجاز از «جهان خاکی» است. **۲** «گل» مجاز از «بهار» است؛ زیرا فصل گل نداریم، فصل بهار و پاییز و... داریم. **۳** «سیر» مجاز از «متنفر و بیزار» است.

۱۲۴. گزینه «۲» **بررسی سایر گزینه‌ها: ۱** خاک ← قبر **۳** سر ← قصد (مصراع اول) / سر ← جان (مصراع دوم) / دست ← قدرت **۴** خون ← کشتن **۱۲۵. گزینه «۳»** در این بیت هیچ مجازی به کار نرفته است و شاعر ضمیر و باطن دوست را به جام جهان‌نما تشبیه کرده است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «قلم» مجاز از «نوشته» است که وسیله نوشتن بیان شده است و منظور خود «نوشته» است. **۲** «چشم» در مصراع دوم به قرینه کلمه «سیاه» در معنای مردمک چشم است زیرا کل چشم هرگز سیاه نیست بلکه مردمک چشم سیاه است. **۴** «دینار و درهم» مجاز از مادیات است. چون دو واحد پولی را بیان کرده؛ اما منظور مادیات به معنای کلی آن است.

درس ۳

۱۲۶. گزینه «۲» «سرو روان» استعاره از «معشوق» است؛ مشبّه نیامده است. (مصرحه)

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ زمانه به انسانی مانند شده که هزار نقش برآورد. «مشبّه‌به» حذف شده است. (مکنیه) **۳** باغ، سرو، سبزه و غنچه به انسان مانند شده‌اند. «مشبّه‌به» حذف شده است. (مکنیه) **۴** سرو به انسانی تشبیه شده است. «مشبّه‌به» حذف شده است. (مکنیه)

۱۲۷. گزینه «۴» **بررسی همه موارد: الف** «باد صبا» به انسانی تشبیه شده است که نفس می‌کشد و «مشبّه‌به» حذف شده است. عالم به انسان پیری تشبیه شده که دوباره جوان شده است. (مکنیه) **ب** رخ اندیشه و زلف سخن هر دو (اندیشه و سخن) به انسان تشبیه شده است و «مشبّه‌به»

۶۸۳. گزینه «۳» بررسی هوارد: الف «آب به هاون کوبیدن» ضرب‌المثل شده است که برای انجام کار بی‌هوده مثال می‌زنند. ب «آب پاکی روی دست کسی ریختن» ضرب‌المثل کنایی معروفی است. پ کل مصراع دوم ضرب‌المثل شده است.

۶۸۴. گزینه «۱» شب در این بیت نماد ظلم و ستم است که شاعر ناامیدانه می‌گوید کسی با آن مقابله نمی‌کند. در گزینه‌های دیگر در معنای حقیقی یعنی مقطعی از زمان مطرح شده است.

۶۸۵. گزینه «۴» بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «سنگ» نماد سختی و عدم انعطاف است. ۲ «جغد» نماد ویرانی و خرابی است. ۳ «آینه» نماد پاکی و صفاست.

۶۸۶. گزینه «۴» بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ در این بیت «پنجره» نماد ارتباط و فاصله بین دنیای درون و بیرون است. ۲ «شب» نماد ظلم و ستم و «آینه» نماد پاکی و صفاست. ۳ «بلبل» نماد عشق است.

۶۸۷. گزینه «۴» بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «باران» نماد پاکی و بی‌ریایی است. ۲ «پنجره» نماد ارتباط است. ۳ «شراب» نماد رهایی از عقل منفعت‌طلب مادی است. ۴ گزینه «۳» «دیوار» نماد فاصله و جدایی است.

آزمون جامع ۱

۶۸۹. گزینه «۲» بررسی گزینه‌ها: ۱ مراعات‌نظیر: آینه و نگریدن (نگریستن) و دیدار / حسن تعلیل: شاعر علت نگریستن به یار را این می‌داند که چون در شب نمی‌توان و شایسته نیست به آینه نگاه کرد و چهره یار مانند آینه است؛ پس به چهره یار می‌نگرد. ۲ شکر عقیق‌رنگ استعاره از لب است. / ایهام ندارد. ۳ تشبیه: تیرقدی (توقدی مانند تیر داری)، زهره‌رخ و مهوشی / جناس: جان و جهان ۴ تضاد: شب و روز / اغراق: اگر تو چهره‌ات را نشان بدهی شب، روز می‌شود.

۶۹۰. گزینه «۱» کنایه: رخ بر رخ کسی نهادن / جناس همسان: رخ مصراع اول: چهره، رخ / رخ مصراع دوم: نام مهره‌ای در شطرنج / ایهام: ۱) رخ در مصراع دوم: ۱. چهره ۲. مهره شطرنج ۲) شاه: ۱. پادشاه ۲. مهره شطرنج / استعاره: ماه، استعاره از یار و معشوق است.

۶۷۱. گزینه «۲» ب مصراع اول مفهوم است و در مصراع دوم برای آن مثالی می‌آورد. پ در مصراع اول مفهوم بیان شده و در مصراع دوم می‌گوید همان‌گونه که خاصیت باد این است که بعدش باران می‌آید.

۶۷۲. گزینه «۴» در گزینه «۴» هیچ‌یک از مصراع‌ها برای دیگری مثال نیست.

۶۷۳. گزینه «۴» در این گزینه مصراع دوم در ادامه مصراع اول و برای تکمیل آن آمده است و مثال برای مصراع اول نیست.

۶۷۴. گزینه «۱» در مصراع دوم پیوند «تا» جمله راناقص می‌گذارد به این دلیل اسلوب معادله ساخته نمی‌شود.

درس ۲۳

۶۷۵. گزینه «۳» مصراع دوم این بیت ضرب‌المثل شده است.

۶۷۶. گزینه «۴» مصراع دوم این بیت ضرب‌المثل مشهوری است.

۶۷۷. گزینه «۲» مصراع دوم این بیت ضرب‌المثل «خواستن توانستن است» را تداعی می‌کند.

۶۷۸. گزینه «۱» عبارت «وقت گل نی» ضرب‌المثلی است که برای زمانی که هرگز نخواهد آمد، مطرح می‌شود.

۶۷۹. گزینه «۴» بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ عبارت «علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد»، ضرب‌المثل شده است. ۲ «چونکه صد آمد نود هم پیش ماست»، ضرب‌المثل شده است. ۳ مصراع دوم این بیت ضرب‌المثل است.

۶۸۰. گزینه «۲» مصراع دوم این بیت ضرب‌المثل «فیلش یاد هندوستان کرده است» را تداعی می‌کند.

۶۸۱. گزینه «۴» بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ در بیت «کس نخارد پشت من / جز ناخن انگشت من» به صورت ضرب‌المثل درآمده است. ۲ کل مصراع دوم ضرب‌المثل مشهوری است. ۳ مصراع دوم ضرب‌المثل است.

۶۸۲. گزینه «۴» در مصراع دوم «نکویی کن و در آب انداز» ضرب‌المثل است و امروزه معمولاً این بیت سعدی را بیشتر ذکر می‌کنند:

تو نیکی می‌کن و در دجله انداز / که ایزد در بیابانت دهد باز

۶۹۱. گزینۀ «۱» استعاره: «آغوش گل» اضافه استعاری از نوع تشخیص است. / تشبیه: بوی تو مانند نکهت از گلم برمی‌خیزد. / تشخیص: آغوش گل تشخیص دارد. / جناس: گل و گل / مجاز: گل مجاز از وجود است و جان و دل هم مجاز از کل وجود است.

۶۹۲. گزینۀ «۲» کنایه: بیخ امل را از دل برکندن / تشبیه: زمین دل، بیل غم و خار اجل اضافه تشبیهی است. / استعاره مکنیه: «بیخ امل» اضافه استعاری است. / جناس: بیخ و بیل

۶۹۳. گزینۀ «۳» اغراق: شب فراق در خون خود غوطه می‌خوردم. الف ایهام تناسب: سودا: ۱. فکر و احساس عاشقانه ۲. در صورت متناسب شدن با کلمه «بازار» و «خریدار» معنی سوداگری و خرید و فروش تداعی می‌شود. ب متناقض‌نما: مست هوشیار ت اسلوب معادله: مصراع دوم مثالی برای مصراع اول است و هر کدام از مصراع‌ها از نظر دستوری مستقل است. پ تشبیه مرجح: او از سرو فراتر است؛ زیرا علاوه بر بلند بودن، سیمین بدن هم هست.

۶۹۴. گزینۀ «۱» تشبیه: ما مانند گل گوش فکندیم. / مجاز: حرف مجاز از سخن است. / کنایه: گوش فکندن و راه به جایی بردن / استعاره: باغ استعاره از دنیا است.

۶۹۵. گزینۀ «۴» تشخیص: غم چنگ (دست) دارد (از چنگ غم نمی‌توانم خلاص شوم). / تشبیه: نای حلق به ارغن تشبیه شده است و اگر نای را به معنی نای بدانیم نای حلق هم اضافه تشبیهی است. / استعاره: غم تشخیص دارد و استعاره مکنیه است. / ایهام تناسب: چنگ: ۱. پنجه و دست ۲. در صورت متناسب شدن با ارغن، ساز چنگ تداعی می‌شود.

۶۹۶. گزینۀ «۳» مجاز: فردا مجاز از قیامت پ حسن تعلیل: علت پنهان شدن ماه در پشت ابر / خجلت‌زدگی و شرمساری ماه از نمایان شدن چهره زیبای یار است. الف ایهام: بو ۱. عطر و رایحه ۲. امید و آرزو

۶۹۷. گزینۀ «۱» بررسی سایر گزینہ‌ها: ۲ مجاز: جهان مجاز از مردم جهان است. / ایهام: نگران: ۱. مضطرب ۲. نگرنده ۳ ایهام تناسب: قربان: ۱. قربانی و فدای کسی شدن ۲. در صورت متناسب شدن با کلمه (عید) عید قربان که یکی از اعیاد مسلمین است، تداعی می‌شود. / تضاد: عید و عزا ۴ تلمیح: اشاره به گریه‌های شبانه امام علی (ع) در چاه دارد. / تشبیه: «دریای درد» اضافه تشبیهی است.

۶۹۸. گزینۀ «۱» جناس ندارد.

بررسی سایر گزینہ‌ها: ۲ استعاره: تراوش راز و اسرار، استعاره مکنیه است. / راز گوهر تشخیص است و استعاره مکنیه. / سینۀ دریا اضافه استعاری و تشخیص است. / کنایه: پرده پوشی کنایه از پنهان کردن است. ۳ استعاره: سرو روان استعاره از یار است. / واج آرایی تکرار واج (ر، س و مصوت بلند «ا») ۴ ایهام: بگرفت ماه از او: ۱. موجب ماه‌گرفتگی شد. ۲. ماه، خط عذار یار را که موجب زیبایی است، از یار وام گرفته است. یا «خط عذار یار، ماه (چهره معشوق) را پوشانده». / تشبیه: خط عذار یار به حلقه تشبیه شده است.

آزمون جامع ۲

۶۹۹. گزینۀ «۱» کنایه: دامن به دست آوردن / جناس: دوست و دست / استعاره: اهرمنان استعاره از انسان‌های بدذات است. / تضاد: دوست و دشمن / بیت فاقد اسلوب معادله و متناقض‌نما و تلمیح است.

۷۰۰. گزینۀ «۱» کنایه: سیه کاسه بودن: بخیل بودن؛ بی‌نمکی در نمک بودن: قدرشناس بودن / تشبیه: ما مهمان او هستیم: ما مانند مهمان برای روزگار هستیم. / پارادوکس: بی‌نمکی در نمک بودن / استعاره: دهر تشخیص دارد و استعاره مکنیه است.

۷۰۱. گزینۀ «۱» بررسی ابیات: ب کنایه: سنگ به چاه افکندن کنایه از خطا کردن پ حسن آمیزی: بو را شنیدن الف اغراق: چنان مست شده است که اگر سنگ پرتاب کند به طبقه نهم آسمان می‌رسد. ت اسلوب معادله ت استعاره کنایی (مکنیه) دامن خورشید و چشم شبنم، اضافه استعاری و استعاره مکنیه است.

۷۰۲. گزینۀ «۱» تشبیه: من مانند تو طبع هر جایی ندارم. / مجاز: سیر مجاز از تنفر است. / کنایه: جای دیگر دل نهادن / جناس تام: که و که

۷۰۳. گزینۀ «۱» تشبیه: مژگان تو مانند خنجری است و ابروی تو مانند کمان است؛ در عین حال، تشبیه مرجح هم وجود دارد. / کنایه: خنجر به رخ کسی کشیدن: مقابله کردن / مراعات‌نظیر: خنجر و کمان، ماه و خورشید، ابرو و مژگان / استعاره: رخ ماه اضافه استعاری و تشخیص است. «خورشید» هم در مصراع دوم، می‌تواند استعاره از چشم باشد.